

#توهین به مقدسات

انتشار ویدئویی از غذارسانی یک خانواده به سگ‌های بلاصاحب، آن هم با استفاده از مداحی و حال‌وهوای سفر به نجف، موجی از واکنش و اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی را به دنبال داشته است؛ واکنش‌هایی که بخشی از آنها نه فقط به اصل غذارسانی، بلکه به آنچه کاربران بی‌حرمتی به مقدسات می‌دانند، معترض‌اند.

یک قاب اینستاگرامی می‌تواند در چند ثانیه هزاران واکنش بسازد؛ چند طرف غذا، چند سگ خانگی و خانواده‌ای که مقابل دوربین ایستاده‌اند. اما این بار آنچه بیش از خود سگ‌ها مورد توجه قرار گرفته، ترکیب این تصاویر با مداحی و حال‌وهوای مذهبی است؛ ترکیبی که برای بخشی از کاربران شبکه‌های اجتماعی قابل پذیرش نبوده و اعتراض‌های تندی را به دنبال داشته است. منتقدان می‌گویند مسئله فقط غذا دادن به سگ‌های ولگرد و خطرناک نیست؛ وقتی از یک مداحی مذهبی و مفاهیم مقدس در کنار محتوایی جنجالی استفاده می‌شود، ممکن است مخاطب احساس کند از توهین به نمادهای اعتقادی برای روایت یک رفتار شخصی استفاده شده است.

این واکنش‌ها در شرایطی شکل گرفته که بحث سگ‌های بلاصاحب نیز به یکی از دغدغه‌های جدی افکار عمومی تبدیل شده است؛ به‌ویژه پس از حوادث تلخ حمله سگ‌ها به کودکان در سنجند، بنابراین نمایش غذارسانی خیابانی به سگ‌ها، آن هم به شکلی که دیگران را به تکرار آن ترغیب کند، طبیعی است که با پرسش و انتقاد روبه‌رو شود. مسئله اصلی، غذارسانی بی‌ضابطه و نبود مدیریت علمی جمعیت سگ‌های بلاصاحب، پسماند، تولیدمثل و محل تجمع آنهاست.

در این میان، نام سجاد محمدی، مداح این مداحی نیز در واکنش‌ها مطرح شده است. صفحات مجازی محل بازتشر و بحث درباره این ماجرا بوده، اما خود او دست‌کم در برابر این موج تر جیب‌ج‌ج داده وارد جنجال نشوددر نهایت، یک سؤال باقی می‌ماند: آیا برای دیده‌شدن در شبکه‌های اجتماعی، باید پای توهین به مقدسات را هم به هر قاب و محتوایی باز کرد؟

سهم کودکان رنج است

در دعوای میان حامیان حیوانات و منتقدان سگ‌های بلاصاحب، یک گروه معمولاً فراموش می‌شود: کودکان. کودکی که عصر از کلاس برمی‌گردد، کودکی که در کوچه بازی می‌کند یا کودکی که همراه مادرش از یک پارک

هم خیانت، هم توهین

روایت ویدئوی جدید غذا دادن به سگ‌ها که موضوعی قدیمی را دوباره سر زبان‌ها انداخت

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار | یک قاب اینستاگرامی می‌تواند خیلی چیزها را ز یبا نشان بدهد؛ قابلمه‌ای پر از غذا، چند ظرف روی زمین و سگ‌هایی که دور سفره‌ای خیابانی جمع شده‌اند. خانواده‌ای

جامعه امروز

غذا دادن؛ لطف یا دردسر؟

حالا در چنین شرایطی ویدئوهای غذارسانی به سگ‌های بلاصاحب در فضای مجازی دوباره بحث قدیمی را داغ کرده‌اند؛ آیا غذا دادن به سگ‌های خیابانی یک رفتار انسانی است یا اقدامی که می‌تواند نظم طبیعی و شهری را به هم بزند؟ پاسخ کارشناسی بر خلاف آنچه در شبکه‌های اجتماعی ساده‌سازی می‌شود، یک «بله» یا «خیر» مطلق نیست. حسین اخانی، استاد دانشگاه و پژوهشگر محیط‌زیست که ۲۰ سال گذشته هم خود و خانواده‌اش به خاطر مخالفت با غذارسانی به سگ‌های ولگرد از سوی هواداران سگ‌های ولگرد تهدید شده بودند، معتقد است باید مانند تمام کشورهای پیشرفته دنیا هر گونه غذارسانی به حیوانات چه اهلی و چه ازاد ممنوع شود. او با اشاره به اینکه غذارسانی به این سگ‌ها موجب افزایش جمعیت آنها در حاشیه شهرهای می‌شود و این افزایش جمعیت از لحاظ بهداشتی و محیط‌زیستی می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد، گفته سگ‌های ولگرد به دلیل تولیدمثل بالا از طرف سازمان‌های بین‌المللی حفاظت به‌عنوان حیوانات مهاجم شناخته شده‌اند. حیوانات مهاجم گونه‌هایی هستند که معمولاً در محیط‌های زندگی انسانی زیاد می‌شوند و از نظر غذایی به غذاهای انسانی و پسماند وابسته هستند؛ «این حیوانات چه در اکوسیستم‌های شهری و چه پیرامون شهری محیط زندگی دیگر موجودات را اشغال می‌کنند و به‌خصوص زمانی که به‌صورت جمعی و گله‌ای درمی‌آیند به سایر حیوانات حمله می‌کنند و حیوانات وحشی بزرگ‌جثه و توله‌های آنها را در محیط‌های طبیعی از بین می‌برند». این کارشناس محیط‌زیست تأکید می‌کند: «اگر می‌خواهیم لطفی به محیط‌زیست انجام دهیم باید تا جایی که ممکن است محیط‌های امن طبیعی برای حیوانات ایجاد کنیم تا بتوانند زندگی‌شان را با شرایط امن زیستگاهی تطبیق دهند»

مهربانی بدون مسئولیت؟

شاید وقت آن رسیده باشد که میان «حمایت از حیوانات» و «غذارسانی خیابانی» تفاوت بگذاریم. هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به حیوان گرسنه بی‌تفاوت باشد، اما کمک به حیوان هم مانند هر رفتار اجتماعی دیگری نیازمند قاعده است. غذا دادن در هر نقطه‌ای، هر ساعتی، با هر حجم غذایی و بدون توجه به محل تجمع سگ‌ها لزوماً بهترین شکل حمایت از حیوان نیست. حتی کسانی که با ایده «قطع غذا» مخالفند، از غذارسانی مسئولانه و در محل مناسب و مشخص سخن می‌گویند، موضوعی که دکتر امید مرادی، متخصص جراحی و بی‌هوشی دامپزشکی از دانشگاه تهران و رئیس بیمارستان دامپزشکی مرکزی تهران نیز در بررسی خود با استناد به توصیه‌های نهادهای بین‌المللی، بر ضرورت غذارسانی مسئولانه تأکید کرده و نه رها کردن حیوانات گرسنه. این تفاوت مهمی است غذا دادن باید از حالت فردی و بی‌ضابطه خارج شود و در کنار آن شهرداری و دستگاه‌های مسئول باید برنامه مشخصی برای کنترل جمعیت، عقیم‌سازی، واکسیناسیون، جمع‌آوری حیوانات پرخطر، مدیریت پسماند و جلوگیری از رها سازی داشته باشند. به اعتقاد فعالان اجتماعی تصویر خانواده‌ای که برای سگ‌ها غذا می‌پزد شاید در قاب گوشی زیبا باشد؛ اما شهر با قاب گوشی اداره نمی‌شود. پشت هر سگ یک مسئله زیست‌محیطی، بهداشتی، شهری یا اجتماعی وجود دارد و پشت هر کودک، یک خانواده که حق دارد از امنیت او مطمئن باشد. پس شاید مسئله اصلی این نباشد که سگ‌ها را دوست داریم یا نه؟

مسئله این است که آیا بلدم همزمان حیوان را ببینیم، محیط‌زیست را بفهمیم و امنیت انسان را فراموش نکنیم؟ اگر پاسخ مثبت است، باید از غذارسانی هیجانی و نمایش‌های مجازی عبور کنیم و به سمت مدیریت علمی برویم چون مهربانی وقتی ارزشمند

است که مسئولانه باشد.

چند روز پیش تولد سپهبد شهید سید عبدالرحیم موسوی بود و موجی عجیب از دلنوشته‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی نشان داد که گاهی یک لیخند می‌تواند تبدیل به میراثی ماندگار شود. ویدئویی از خاطره کوبی شهید موسوی

یاد فرمانده شهید با یک لیخند

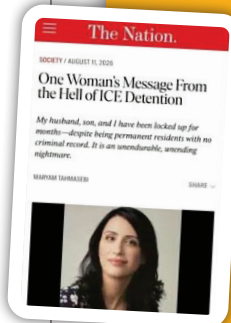


در یک سخرانی نقطه شش‌و‌و این دلنوشته‌ها بود. در این ویدئو سپهبد موسوی با لیخند معروف خود روایت کرده بود: «سگی که درند در ۲۸ سال من را تربیت کنند که نخندم. افتخارات زندگی‌ام که زمانی سرباز ایشون بودم، از نزدیک خورشویی و لیخندشون به من سرباز ساده رو دیدم.»

گزارش

مکتب

بازپس‌گیری گرین‌کارت به بهای وطن فروشی؟



فرزندشان فقط انگلیسی صحبت می‌کند، او همچنین نقش معصومه ابتکار در تسخیر سفارت آمریکا را به «مترجم» تقلیل داده است.

آنچه در نگارش این نامه سبب تعجب شده، اصرار به فاصله‌گذاری عجیب نویسنده با ایران و تکرار کامل روایت رسمی آمریکا از موضوع تسخیر لانه جاسوسی این کشور در ایران است. در این نامه ایران فقط در قالب سابقه‌ای در دسرساز ظاهر می‌شود که خانواده خانم ابتکار باید از آن اعلام برائت کند. در مقابل، آمریکا با وجود لغو گرین‌کارت و بازداشت این خانواده همچنان «وطن» خوانده می‌شود.

عجیب‌تر اینکه این نامه تنها چند هفته پس از دور تازه حملات آمریکا به خاک ایران و شهادت شماری از هموطنان نوشته شده است. در چنین شرایطی حداقل انتظار این است که یک شهروند ایرانی هنگام دادخواهی از دولت آمریکا دست‌کم هویت و نسبت خود با کشور زادگاهش را نادیده نگیرد و برای بازپس‌گیری گرین‌کارت، وطنش را وثیقه نکند. موضوع، اصل مهاجرت یا انتخاب محل زندگی نیست. می‌شد به رفتار دولت آمریکا اعتراض کرد و همزمان حرمت هویت ایرانی را نیز نگه داشت.

دولت آمریکا در فرودین‌امسال با دستور وزیر خارجه این کشور، مارکو روبریو اقامت دائم عیسی هاشمی، مریم طهماسبی و پسرشان را لغو کرد. این خانواده از سال ۱۳۹۳ در آمریکا زندگی می‌کردند و سال ۱۳۹۵ گرین‌کارت گرفته بودند. پس از لغو اقامت، هر سه بازداشت شدند. طهماسبی و پسرش، چنان‌که در متن نامه اخیر بیان شده، به یک مرکز مهاجرتی در تگزاس انتقال یافته‌اند و عیسی هاشمی نیز جدا از آنان در بازداشتگاه دیگری نگهداری می‌شود.

اعترافات به عددسازی

اظهارات تازه یک خواننده سلطنت‌طلب موجب مرور ادعاهای متناقض درباره جان‌باختگان دی‌ماه و اعتراف به بازی خوردن از ترامپ شد

گزارش

گروه گزارش | ماجرای آمار جان‌باختگان حوادث ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه از همان روزهای نخست با اعداد متفاوتی از سوی اپوزیسیون خارج از کشور روایت شد؛ اعدادی که در فاصله‌ای کوتاه از چند هزار نفر به ده‌ها هزار نفر رسیدند. حالا اظهارات تازه «معراج»، خواننده‌ای که پیش‌تر از مداخله خارجی در ایران حمایت کرده بود، بار دیگر این پرسش را مطرح کرده که این اعداد چگونه ساخته و منتشر شدند و چه هدفی را دنبال می‌کردند. او در ویدئویی که در شبکه اجتماعی خود منتشر کرده، از «عددسازی» و تلاش برای افزایش شمار کشته‌شدگان سخن گفته و تأکید کرده است که آمریکا و دیگر بازیگران خارجی دلسوز مردم ایران نبوده‌اند.

گردن‌نگیری پهلوی

گردن‌نگرفتن فقط مخصوص چهره‌های رسانه‌ای اپوزیسیون نیست و تناقض‌گویی رضا پهلوی در رابطه با حمایت از حمله آمریکا به ایران را نیز می‌توان در همین دسته‌بندی قرار داد؛ موضوعی که رسانه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی هم در گزارشی ویدئویی به آن پرداخت. در این ویدئو چندناتیبه‌ای، تناقض‌گویی‌ها و عقب‌نشینی‌های رضا پهلوی نمایش داده شد: «رواقت همان موقع که اتفاق‌های ۱۸ و ۱۹ دی افتاد، از مردم خواستم که در خانه بمانند تا از خود محافظت کنند و اول و مهم‌تر از همه امنیت شخصی‌شان را اولویت قرار دهند». در ادامه این ویدئو عنوان شد که کاربران دست به مرور گفته‌های پهلوی در دی‌ماه ۱۴۰۲ زداند؛ زمانی که او اعلام کرده بود: «همچنین از همه شما می‌خواهم که امروز و فردا، ۲۰ و ۲۱ دی‌ماه، این بار از ساعت یک بعدازظهر به خیابان‌ها بیایید. هدف ما تسخیر شهرهاست. کمک در راه است».

عددسازی‌های دی‌ماه: مجوز حمله به ایران

مراد ویسی در روزهای گذشته و در گفت‌وگو با صدای آمریکا درباره عددسازی در حوادث دی‌ماه گفته بود: «من فکر می‌کنم که مسئله فراتر از اشتباه در آمار بود. من هم معتقدم دلیل اینکه عددسازی شد و از ۵۰، ۶۰ هزار نفر و حتی ۹۰۰ هزار نفر حرف زده شد، نمی‌تونه صرفاً اشتباه باشه و مشخصه که یک عددسازی انجام شده. اما به سود چه کسی بود؟ پاسخش این است که من حدس می‌زنم بخشی از اپوزیسیون ایرانی فکر می‌کرد که با این عددسازی می‌توانست جنگ را به درون ایران بکشد. این افراد خواهان حمله نظامی به ایران بودند». این نخستین بار نبود که مراد ویسی در مورد آمارسازی کشته‌شده‌های دی‌ماه مجبور به موضع‌گیری خلاف صحبت‌های گذشته‌اش شد. او در یکی از برنامه‌های پیش‌زنه در صفحه شخصی خود در پاسخ به سؤال یکی از مخاطبانش درباره آمار کشته‌شدگان دی‌ماه گفت: «بنایی که شخصی، من خودم در یوتیوب پیگیری می‌کنم». همین کلمات کافی بود تا بسیاری عددسازی‌های این تحلیلگر ارشد شبکه ایران‌اینترنشنال را یادآوری کنند و از این بنویسند که امثال مراد ویسی و رسانه‌های معلوم‌الحال در همان روزهای ابتدایی پس از ۱۸ و ۱۹ دی ابتدا مدعی شدند ۶ هزار نفر در این حوادث کشته شده‌اند و به‌مرور رقم‌های ۱۲ هزار نفر، ۳۶ هزار نفر، ۴۰ هزار نفر و ۴۵ هزار نفر و ۵۰ هزار نفر را مطرح کردند.

اعتراف خواننده سلطنت‌طلب

معراج یکی از چهره‌هایی است که بسیاری او را به‌عنوان خواننده سلطنت‌طلب می‌شناسند. او زمانی با انتشار یک ویدئو خواهان حمله به ایران تحت عنوان کمک خارجی شده بود. او حالا یک ویدئوی متفاوت در شبکه اجتماعی‌اش منتشر کرده و بسیاری این ویدئو را به عنوان اعتراف معراج، بازنشر کرده‌اند: «بازیمون داده ترامپ، دو سه ماه پیش یکی از رفیق‌ام به من این رو می‌گفت، من می‌گفتم نه، اینجوری نیست، ترامپ با جمهوری اسلامی مشکل داره. آقا! خدا کیلی اینا اصلاً دلشون برای ما منسوخته. می‌گفتن بریزید توی خیابون، می‌خواستن مردم رو بکشون و تعداد کشته‌شده‌ها رو ببرن بالا. اصلاً به فکر ما نیستن. واقعا آمریکا به فکر مردم ایران نیست. ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه کشته‌سازی بود. من توش بودم. باید حقایق رو بگیم و تیکه‌های پازل رو به هم چسبونیم».

تعجب سالومه از باور حرف‌هایش

سالومه که بسیاری او را با عنوان مجری شبکه من‌و‌تو می‌شناسند، در یک صدای ضبط‌شده درباره اتفاقات دی‌ماه گفته بود: «فوتی در مورد کشته‌شدگان دی‌ماه حرف می‌زنیم یا پوریا زراعتی چقدر می‌خندیم. می‌گیم بابا بنا چقدر خرن که به حرف ما گوش می‌دن، خیلی خرن، من به همه می‌گم اگر بولم رو سسر وقت ندید، نوبی اینستاگرام آبروتون رو می‌برم. از اونور هم هی شاهزاده تجمع می‌داره، کسی شرکت نمی‌کنه، بیشتر آبروریزی می‌شه».

«

